



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

(علیہ السلام)

امام سجاد

و

نہضت تو ایں

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام سجاد علیه السلام و نهضت توابین

نویسنده:

عیسی ساجدی فر

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام سجاد علیه السلام و نهضت توابین
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	علل و عوامل نهضت
۷	اولین جلسه مشورتی
۷	رهبران نهضت
۷	نتیجه اولین گردهمایی
۷	مرگ یزید و سقوط کوفه
۸	ورود مختار به کوفه و تبلیغات او
۸	پیشنهاد رد شده
۸	نتیجه قیام
۹	شرایط سیاسی، اجتماعی امام سجاد علیه السلام
۹	موضع امام سجاد در قیام توابین
۱۰	چرا توابین بدون اجازه امام دست به جهاد و قیام زدند؟
۱۰	سکوت نخبگان و عواقب آن
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام سجاد علیه السلام و نهضت توابین

مشخصات کتاب

عنوان: امام سجاد و نهضت توابین

پدیدآورندگان: امام چهارم علی بن حسین (ع) (توصیف گر)

عیسی ساجدی فر (پدیدآور)

ناشر مقاله: نشریه کوثر، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۲

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام

قیام توابین

قیام عاشورا

سیره امامان

مروانیان [۱]

امویان

مبارزات مسلحانه [۱]

مقدمه

هدف اصلی از تحقیق و کاوش در زندگی معصومین علیهم السلام، در حقیقت شناخت مواضع دینی، سیاسی و اجتماعی آنها برای دست یابی به پیام‌ها، درس‌ها و عبرت‌هایی است که در سیره عملی آنها دیده می‌شود. «امام»، جلودار و قافله سالار کاروان صالحان برای رسیدن به کمال مطلوب و سعادت دنیوی و اخروی است. «امامت»، هدایت خلق به سوی خداست؛ پس کسانی می‌توانند رهرو راه ولایت و رهبری باشند که پیشوای خود را آن گونه که شایسته است، شناخته باشند تا به برکت آن معرفت، سیره عقیدتی و عملی آنها را الگوی خویش سازند. شناخت سیره ائمه علیهم السلام با موانعی مواجه است که عبارتند از: تاریخ‌های خلافتی و سلطنتی، دروغ‌های تاریخی، خلأهای تاریخی و نقاط مبهم، حذف بعضی از صحنه‌های مهم تاریخی، بیان نشدن جغرافیای تاریخی، بیان نشدن شرایط و موقعیت حوادث، تأثیر گرایش‌های مورخان در نقل و بیان تاریخ، از قلم افتادن بعضی از حوادث تاریخی، مخفیانه بودن حرکت‌های انقلابی شیعیان و محدود بودن ائمه علیهم السلام در ارتباط با شیعیان و بیان مواضع آنها. با وجود موانع فوق، هر کاوشگر و محقق کوشایی می‌تواند از لایه لای گزارش‌های تاریخی و قرائن و شواهد موجود، با ظن و گمان به واقعیت پی‌برد. در این نوشتار سعی ما بر آن است تا به یاری خداوند، موضع امام سجاد علیه السلام را در «نهضت توابین» به دست آوریم که آیا آن حضرت با این قیام موافق بود یا مخالف؟ قبل از پرداختن به جواب این سؤال مهم، لازم است نهضت توابین را به طور اجمالی بررسی نماییم.

علل و عوامل نهضت

بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام، شیعیان کوفه به خاطر بی‌وفایی و پیمان شکنی که نسبت به آن حضرت از خود نشان داده بودند، به شدت پشیمان بودند. آنها به امام حسین علیه‌السلام نامه نوشتند و عاجزانه اصرار کردند تا آنها را از ظلم و جور امویان نجات دهد. اگرچه امام حسین علیه‌السلام باید براساس رسالت الهی خویش اقدام به امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در مقابل ظالمان موضع می‌گرفت، حتی اگر کوفیان از او دعوت نمی‌کردند؛ ولی دعوت آنها نیز یکی از علل قیام امام و حرکت او به طرف کوفه بود. با این وجود، آنها بعد از دعوت امام حسین علیه‌السلام او را تنها گذاشتند و یاری‌اش نکردند! کوفیان برای سومین بار، در حادثه کربلا طعم تلخ شکست و زبونی را در مقابل شامی‌ها چشیده بودند. آنها تنها راه جبران گناه عظیم کشته شدن امام و شکست‌های تحقیر کننده خویش را، قیام و خونخواهی امام حسین علیه‌السلام می‌دانستند و می‌گفتند: ما مثل بنی‌اسرائیل شده‌ایم که حضرت موسی برای جبران نافرمانی و برگشت از گوساله پرستی آنها، دستور داد یکدیگر را بکشند. تنها راه توبه ما نیز قیام و کشتن دشمنان است... «انکم ظلمتم انفسکم باآخذکم العجل فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم...» [۱]. آنان به دلیل پشیمانی از اعمال گذشته خود، در تاریخ اسلام به «توآیین» شهرت یافتند. [۲].

اولین جلسه مشورتی

در سال ۶۱ ه.ق. نخستین گردهمایی توآیین در منزل سلیمان بن صُرد خزاعی، از اصحاب پیامبر و بزرگان شیعیان کوفه، تشکیل شد. شرکت کنندگان حدود صد نفر از دلیران و بزرگان شیعه بودند و همگی متجاوز از شصت سال داشتند که این عامل سنی، دلیل بلوغ تفکر مذهبی و پختگی رفتار آنها بود.

رهبران نهضت

نهضت توآیین تحت رهبری پنج نفر از قدیمی‌ترین و معتمدترین یاران حضرت علی انجام گرفت که عبارتند از: سلیمان بن سرد خزاعی، مسیب بن نجبه فرازی، عبدالله بن سعد بن نفیل ازدی، عبدالله بن والی تیمی و رفاعه بن شداد بجلی. [۳]. سلیمان از اصحاب پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه‌السلام بود و در جنگ جمل و صفین حضور داشت. بعد از هلاکت معاویه، شیعیان در خانه سلیمان جمع شدند و به امام حسین علیه‌السلام نامه نوشتند و او را دعوت به قیام نمودند. چهار نفر دیگر، از تابعین به شمار می‌رفتند و همیشه در صف مقدم فعالیت‌های شیعیان کوفه قرار داشتند و به خاطر خلوص نیت و فداکاری در راه اهل بیت، مورد احترام شیعیان بودند.

نتیجه اولین گردهمایی

در نخستین جلسه توآیین، سلیمان به عنوان رهبر نهضت انتخاب شد. او در همان جلسه معیارهای بسیار دقیق و سختی را برای عضوگیری بیان نمود. [۴] و خطوط سیاسی، نظامی و پشتوانه مالی نهضت را ترسیم نمود. شیعیان در طول سال‌های ۶۱ - ۶۴ ه.ق. مشغول جمع آوری اسلحه و عضوگیری بودند.

مرگ یزید و سقوط کوفه

وقتی خبر مرگ یزید (۶۴ ه.ق.) به کوفه رسید، مردم کوفه شورش کردند و عمر بن حریت، حاکم کوفه را از قصرش بیرون نمودند

و با عبدالله بن زبیر که در حجاز مدعی خلافت بود، بیعت نمودند. [۵] عبدالله بن زبیر نیز عبدالله بن یزید را به فرمانروایی کوفه تعیین کرد و به این وسیله کوفه در اختیار ابن زبیر قرار گرفت. سلیمان بن صرد به شهرهای بصره و مدائن نامه نوشت و از رهبران شیعیان آن شهرها جهت شرکت در خونخواهی سیدالشهداء علیه‌السلام دعوت نمود. آنها نیز استقبال کردند. [۶] قرار شد «جنبش» به صورت پنهانی فعالیت، تبلیغ و جذب نیرو نماید. عده‌ای را نیز مسئول جمع آوری اموال و هدایا از جانب شیعیان نمودند تا اسلحه و تجهیزات جنگی را فراهم سازند. زمان شروع نهضت، آغاز ربیع الثانی سال ۶۵ ه.ق. معین شد. محلّ تجمع آنها «نخيله» و شعارشان «یاثارات الحسین» بود. [۷].

ورود مختار به کوفه و تبلیغات او

مختار یکی از پیروان اهل بیت بود که با توّابین در قیام علیه بنی‌امیه و خونخواهی سیدالشهداء علیه‌السلام هم عقیده بود. ولی او معتقد بود که سلیمان بن صرد صلاحیت نظامی و تجربه کافی برای فرماندهی و رهبری قیام را ندارد. مختار خود را به عنوان نماینده محمد بن حنفیه، سزاوارتر به رهبری می‌دانست؛ به همین دلیل به تبلیغات علیه سلیمان بن صرد پرداخت. او می‌گفت: «سلیمان فقط می‌خواهد قیام کند، هم خودش را به کشتن می‌دهد، هم شما را. او بصیرت و دانش جنگی کافی ندارد.» مختار سعی در متفرق کردن یاران سلیمان نمود. اگرچه توّابین به سلیمان بیشتر از مختار اعتماد داشتند، ولی تحت تأثیر سخنان مختار قرار گرفتند. حدود دو هزار نفر از توّابین جذب مختار شدند، در بقیه ی افراد نیز سستی ایجاد شد؛ به طوری که از ۱۶ هزار نفری که در لیست توّابین ثبت نام کرده بودند، فقط چهار هزار نفر در روز موعود حضور یافتند و علی‌رغم سه روز توقف توّابین در نخيله، فقط هزار نفر به جمع آنها افزوده شد. از مدائن و بصره نیز فقط ۵۰۰ نفر در قیام شرکت کردند.

پیشنهاد رد شده

قبل از حرکت از اردوگاه نخيله، عبدالله بن سعد بن نفیل که یکی از رهبران نهضت بود، به سلیمان گفت: حالا که ما به خونخواهی حسین علیه‌السلام بیرون آمده‌ایم و قاتلان حسین همگی در کوفه هستند - از جمله عمر بن سعد - پس اینها را بکشیم. [۸]. بقیه یاران سلیمان نیز رأی او را تأیید نمودند و گفتند: اگر ما به سوی شام برویم فقط به عبیدالله بن زیاد دست خواهیم یافت، در حالی که بیشتر افراد مورد نظر و قاتلان سیدالشهداء در کوفه هستند. سلیمان با آنها مخالفت نمود و گفت: لازمه جنگیدن با کوفیان، جنگیدن با اقوام و خویشان است و قاتل اصلی هم ابن زیاد است. [۹]. سپاه توّابین به طرف شام به حرکت درآمد. توّابین در مسیر راه، یک شبانه روز در کنار قبر سیدالشهداء علیه‌السلام توقف نمودند و بسیار گریه کردند. [۱۰] سپس بی‌وقفه بیابان‌ها را درنوردیدند تا به «عین الورد» رسیدند و در آن جا با سپاه شام به فرماندهی عبیدالله بن زیاد - که تعداد آنها حدود سی هزار نفر بود - وارد جنگ شدند. سپاه شام به طور وحشتناکی بر آنها حمله ور شد. توّابین نیز از خود دلاوری و صلابت وصف‌ناپذیری نشان دادند. نبرد، سه روز طول کشید. رهبران توّابین، یکی بعد از دیگری به شهادت رسیدند. تنها یکی از آنها (رفاعة بن شداد) باقی ماند که دستور عقب‌نشینی به طرف کوفه را صادر نمود.

نتیجه قیام

ثمره قیام توّابین عبارت بود از: ۱. ایجاد رعب و وحشت بر قلوب جنایتکاران اموی؛ چون قیام آنها شدیدترین نهضتی بود که تا آن موقع به وقوع پیوست. [۱۱]. ۲. زمینه سازی سیاسی و نظامی برای قیام مهم تری که توسط مختار به وقوع پیوست. در واقع، قیام توّابین «تشیع» را قدمی دیگر به طرف وجودی مستقل به پیش برد. ۳. این قیام سبب شد تا خاکستر از روی آتش تشیع برداشته شود و

آتش دل‌های داغ‌دیده آنها فروزان‌تر شود و در نهایت، منجر به نابودی حکومت امویان گردد. [۱۲].

شرایط سیاسی، اجتماعی امام سجاد علیه السلام

اگر بخواهیم به طور دقیق‌تر موضع امام سجاد علیه‌السلام در قبال قیام‌های معاصرش و ارتباط آن حضرت با این نهضت‌ها را بررسی کنیم، لازم است شرایط سیاسی و اجتماعی، رفتار حکام، موقعیت شخصی و خانوادگی امام، وضعیت فکری، سیاسی و عقیدتی مردم و حوادث آن دوران را ترسیم نماییم. امام سجاد علیه‌السلام در شرایطی عهده‌دار «امامت» شد که سنگین‌ترین غم‌ها و جراحات‌های روحی و عاطفی بر قلبش وارد شده بود، مثل شهادت مظلومانه پدر، برادران و اقوام بی‌سرپرست شدن ده‌ها زن و کودک داغ‌دیده؛ آوارگی و اسارت از کربلا به کوفه و شام و مدینه؛ نداشتن مدافعان و حامیان صادق؛ کنترل شدید حکومت مستبد و خونریز که حتی در ریختن خون فرزندان پیامبر اکرم و انجام زشت‌ترین و خشن‌ترین اعمال، باکی نداشتند و با رفتاری وحشیانه نفس‌ها را در سینه‌ها حبس و جرأت اعتراض و انتقاد را از هر معترضی سلب نموده بودند؛ به طوری که به خاطر مخالفت، سهمیه بیت‌المال و عطایای یک شهر را قطع می‌کردند. [۱۳]. عنصر مهم دیگری که می‌توانست در موضع‌گیری امام سجاد علیه‌السلام در قیام‌ها تأثیر بگذارد، مردم بودند. امام سجاد علیه‌السلام چگونه می‌توانست به آن مردم اعتماد نماید و به پشتوانه آنها در صحنه سیاسی، اجتماعی حضور پیدا کند و یا موضع مثبت خودش را اظهار نماید؟ در حالی که سستی‌ها و بی‌وفایی‌های مردم کوفه را نسبت به جد بزرگوارش، امیرمؤمنان علیه‌السلام و عمویش، امام حسن علیه‌السلام و پدرش، امام حسین علیه‌السلام دیده بود و شاهد بود که چگونه این مردم بارها در صحنه‌های حساس سیاسی و نظامی، امام و رهبر خود را نه تنها رها نمودند، بلکه در مقابلش شمشیر کشیدند و در بحران‌های سیاسی و احساس خطرهای جدی، سکوت و انزوا را پیشه خود ساختند و آن را بر قیام و جهاد و شهادت ترجیح دادند و یا نامردانه به صفوف دشمنان پیوستند، مثل دوران امام حسین علیه‌السلام! خطبه‌ای که امام سجاد علیه‌السلام در جمع مردم کوفه خواند، بیانگر شناخت دقیق امام از مردم کوفه و نشانه وضعیت فردی و اجتماعی خود و خانواده‌اش و بهترین دلیل برای سکوت امام و انزوای سیاسی اوست. بعد از سخنرانی امام سجاد علیه‌السلام، مردم به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند و یکصدا فریاد زدند: ای فرزند رسول خدا! ما گوش به فرمان و پاسدار حق شما هستیم. اکنون فرمان بده تا اطاعت کنیم! [۱۴]. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: هرگز، هرگز تحت تأثیر شعارهای شما قرار نخواهیم گرفت و به شما اعتماد نخواهم کرد. ای جنایتکاران مکار! میان شما و آرمان‌هایی که اظهار می‌دارید، فاصله‌ها و موانع بسیاری است. آیا می‌خواهید همان جفا و پیمان شکنی که با پدران من داشتید، دوباره درباره من روا دارید؟ نه، نه! به خدا سوگند! هنوز جراحات‌های گذشته‌ای که از شما بر تن داریم، التیام نیافته است. همین دیروز بود که پدرم به شهادت رسید، در حالی که خانواده‌اش در کنار او بودند. داغ‌های برجای مانده از فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پدرم و فرزندانش و جدّم، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فراموش نشده است. طعم تلخ مصیبت‌ها هنوز در کامم هست و غم‌ها در گستره سینه‌ام موج می‌زند. تنها از شما می‌خواهم که نه به یاری ما بیایید و نه به دشمنی و ستیز ما برخیزید!

موضع امام سجاد در قیام توابین

نهضت توّابین و قیام مردم کوفه، نتایج نسبتاً خوبی برای مسلمانان حق طلب به دنبال داشت و زمینه را برای قیام‌های بعدی فراهم نمود و بیم و ترس را در دل امویان انداخت. هدف توّابین نیز مقدّس بود؛ ریشه‌کن نمودن ظلم و فساد و دفاع از دین و سپردن حکومت به دست صالحان و فرزندان رسول خدا. چون قیام توّابین حرکتی بی‌موقع، نسنجیده، خودسرانه و محدود بود، طبعاً امام سجاد علیه‌السلام نمی‌توانست موضع صریحی در حمایت از آنها داشته باشد؛ ولو این که از لا به لای سخنرانی‌های آنها می‌شود فهمید که توّابین، امام سجاد علیه‌السلام را به عنوان رهبر دینی و امام قبول داشتند و مصمّم بودند قبل از پیروزی کامل، از ذکر نام او

به عنوان امام و رهبر خویش خودداری کنند؛ ولی در طول مبارزات، اشارات مبهم و مخصوصی به امامت آن حضرت می نمودند که نمونه آن را در اشعاری که «عبدالله بن الاحمر» سروده و در آن، از یک منادی که معروف همه است و دعوت کننده به خیر و رستگاری است، نام برده [۱۵] که مسلم آن منادی، امام سجاد علیه السلام است؛ زیرا محمد بن حنفیه سه سال بعد از قیام توابین نامش به امامت برده شد. توابین می خواستند حکومت را به اهل بیت علیهم السلام واگذار کنند. [۱۶]. توابین وقتی با لشکر شام مواجه شدند، در مقابل پیشنهاد آنها برای رها کردن جنگ، خواسته‌هایی را عنوان نمودند، از جمله: تحویل دادن عیدالله بن زیاد (فرمانده لشکر شام) به آنها و برکنار نمودن عبدالملک بن مروان (خلیفه وقت)، تا توابین بتوانند حکومت و رهبری جامعه را به اهل بیت پیامبر اکرم واگذار نمایند. [۱۷]. موارد ذکر شده فقط می تواند به قیام توابین جهت بدهد و هدف و انگیزه آنها را روشن نماید. شاید بتوان گفت که قیام آنها با اذن غیر مستقیم امام عصر بوده است؛ یعنی امام سجاد علیه السلام اگرچه هیچ موضع صریحی که دلالت بر تأیید یا رد توابین باشد، اتخاذ نمود - به خاطر موانعی که ذکر شد و به خاطر قبول نداشتن شیوه مبارزه آنها - با اصل قیام که نهضتی ضد ظلم و برای اجرای عدالت بود، موافق بود. ائمه معصومین نهضت‌های عصر خویش را نه به طور مطلق رد کردند و نه پذیرفتند، بلکه آنها را که در چهارچوب اهداف امامت و بر اساس حق محوری حرکت کردند، تأیید و بقیه را رد نمودند. قیام توابین چون در معیار حق می گنجید، تاریخ هیچ گونه ردی را در مورد آن به امام سجاد علیه السلام نسبت نداده است. دلیلی هم برای مخالفت وجود نداشت، چون این قیام‌ها فوایدی داشت که قبلاً ذکر شد.

چرا توابین بدون اجازه امام دست به جهاد و قیام زدند؟

میرزا ابوالحسن شعرانی در ترجمه کتاب نفس المهموم، پاسخ را چنین بیان نموده است: «در جواب می گوئیم امام سجاد علیه السلام از مردم کناره گیری کرده بود و حال او مانند حال امام زمان در عصر ما است. همان طوری که در زمان ما نمی شود در اجرای احکام ضروری دین منتظر ظهور امام زمان علیه السلام شد؛ مثل رسیدگی به ایتم و محجورین، قصاص، دفاع، حدود و... چون ترک اینها موجب فتنه‌ها و تسلط اشرار می شود، با این که اینها از وظایف امام زمان علیه السلام است؛ توابین نیز وظیفه مجاهدت و توبه کردن داشتند با کشتن قاتلین سیدالشهداء علیه السلام. اگر چه امام سجاد علیه السلام در قیام حضور نداشت و مصلحت در اقدام او نبود ولی نهی نیز نفرمود و توابین نیز تمسک به آیه ی قرآن نمودند و اگر کسی حکم خدا را به وسیله قرآن یا اجماع یا عقل بداند، مثل این است که از لفظ [و زبان] امام شنیده باشد.»

سکوت نخبگان و عواقب آن

اگر چه توابین جان و مال خویش را در راه هدفی مقدس - که رضای خداوند، انتقام خون شهدای کربلا، ریشه کن نمودن کانون فتنه اموی و سپردن امور جامعه به دست اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود- نهادند؛ اما آن همه خسارت و کشته، یک هزارم اثر حادثه کربلا را از خود بر جای نگذاشت؛ چون اگر رهبران توابین و برجستگان قیام که خود از دعوت کنندگان حسین بن علی علیهما السلام بودند، آن حضرت را یاری می کردند، حادثه کربلا به گونه‌ای دیگر رقم می خورد.

پاورقی

[۱] بقره / ۵۴.

[۲] انساب الاشراف، بلاذری، ج ۵، ص ۲۰۴ و تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۱۷.

[۳] الاجابه، ج ۲، ص ۱۲۷.

- [۴] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۹۹ و انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۰۵.
- [۵] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۵۵.
- [۶] تاریخ طبری، ج ۴، جزء ۷، ص ۴۹ و ۴۸ و الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۳۴.
- [۷] التنبیه و الاشراف، ص ۳۱۱.
- [۸] تاریخ طبری، ج ۴، جزء ۷، ص ۶۷ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵۹.
- [۹] تاریخ طبری، ج ۴، جزء ۷، ص ۶۷.]
- [۱۰] همان، ص ۷۰.
- [۱۱] حیاة الشعر فی الکوفه، ص ۷۳.
- [۱۲] حیاة الشعر فی الکوفه، ص ۷۳.
- [۱۳] تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۳۷۴.
- [۱۴] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴.
- [۱۵] مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰۱.
- [۱۶] تجارب الامم، ج ۲، ص ۹۷.
- [۱۷] انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۱۰ و الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۴۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمی، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگووار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

